

بررسی مدل علی رابطه تمایز یافتگی خود و ابعاد رفتار جامعه‌پسند با واسطه‌گری هویت اخلاقی

سمیرا رستمی^۱

راضیه شیخ‌الاسلامی^۲

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۳/۲۰

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۰/۲۳

چکیده

رفتار جامعه‌پسند نوع خاصی از رفتار هدفمند است که به منظور رفاه دیگران انجام می‌شود. در کنار تنوع رفتارهای جامعه‌پسند، نکته حائز اهمیت، شرایط و زمینه تحقق این نوع رفتارهاست. در این پژوهش، رابطه ساختاری تمایز یافتگی خود و ابعاد رفتار جامعه‌پسند با واسطه‌گری هویت اخلاقی در قالب یک مدل علی بررسی می‌شود. ابتدا ۲۳۹ نفر از دانشجویان کارشناسی دانشگاه شیراز به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب انتخاب شدند. سه مقیاس معتبر شامل پرسشنامه فرم کوتاه تمایز خود (DSI-SE) اریک، پرسشنامه رفتار جامعه‌پسند پتر و همکاران، و پرسشنامه هویت اخلاقی آکوینو و رید برای سنجش متغیرهای مدل به کار گرفته شدند. روایی و پایایی ابزارهای مورد استفاده در پژوهش، بررسی و تأیید شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها به روش تحلیل مسیر انجام گرفت و برای بررسی معناداری واسطه‌گری و برازش مدل، از نرم‌افزار ایموس استفاده شد. نتایج نشان داد که مدل با داده‌های این پژوهش، برازش مناسبی دارد. با توجه به یافته‌ها، تمایز یافتگی به‌نحو منفی، رفتار جامعه‌پسند معطوف به دیگران را پیش‌بینی می‌کند. هویت اخلاقی نیز رفتار جامعه‌پسند کمک‌رسانی را به‌نحو مثبت و رفتار جامعه‌پسند معطوف به دیگران را به‌نحو منفی پیش‌بینی می‌کند. همچنین هویت اخلاقی، نقشی واسطه‌ای در رابطه میان تمایز یافتگی خود و رفتار جامعه‌پسند ایفا می‌کند. در مجموع، نتایج این پژوهش نشانگر اهمیت تمایز یافتگی خود و هویت اخلاقی در رفتار جامعه‌پسند است. **واژه‌های کلیدی:** تمایز یافتگی خود، رفتار جامعه‌پسند، هویت اخلاقی.

۱. دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول). s.rostamipsy@gmail.com

۲. دانشیار دانشگاه شیراز. sheslami@shirazu.ac.ir

مقدمه و بیان مسئله

پرداختن به رفتار جامعه‌پسند، در حیطه روان‌شناسی اجتماعی مطرح است. مک دوگال در سال ۱۹۰۸ اولین کسی بود که درباره چرایی این نوع رفتار در حیطه روان‌شناسی اجتماعی سخن گفت. وی بر این باور بود که «بزرگ‌ترین مشکل روان‌شناسی اجتماعی، اجتماعی کردن انسان به‌عنوان موجودی با تمایلات غیراخلاقی و خودخواهانه است.» کورت لوین، دانشجو و همکار مک دوگال، هم‌نظر با استاد خود اعلام کرد «آنچه بیش از همه جالب توجه است، امکان بروز رفتار جامعه‌پسند در دل جنگ و خونریزی است.» باید گفت بشر امروز معیارهای اخلاقی متفاوتی برمی‌گزیند؛ بنابراین، انتظار این است که دلایل وی برای انجام‌دادن رفتارهای جامعه‌پسند نیز تغییر یافته باشد. در واقع می‌توان گفت رفتار آدمی از جمله متغیرهایی است که قادر است دنیا را با چالش‌های جدیدی روبه‌رو سازد و درعین‌حال، خود از متغیرهای بسیاری تأثیر پذیرد (میلون و لرنر، ۲۰۰۳).

اغلب پژوهش‌ها در زمینه رفتار جامعه‌پسند، معطوف به انگیزه‌های این رفتارها هستند. مدل‌های متعددی به بررسی مبنای انگیزشی رفتارهای جامعه‌پسند پرداخته‌اند. در برخی از این مدل‌ها، باور بر این است که انگیزه رفتارهای جامعه‌پسند، در پیوستاری از خودمحوری تا دگرمحوری قرار دارد (روت، ۲۰۰۸). رفتار جامعه‌پسند خودمحور^۱، به‌منظور جلب تأیید و تشویق دیگران و در جهت حفظ ارزشمندی خود انجام می‌گیرد. در مقابل، رفتار جامعه‌پسند دگرمحور^۲ با نوع دوستی (به‌عنوان نوع خاصی از رفتارهای جامعه‌پسند) رابطه نزدیکی دارد و نوعی رفتار اجتماعی است که همسو با نیازها و تمایلات دیگران انجام می‌شود (روت، ۲۰۰۸). در واقع، رفتار جامعه‌پسند خودمحور، رابطه مثبتی با انگیزه کنترل و اضطراب درونی، و رفتار جامعه‌پسند دگرمحور رابطه تنگاتنگی با انگیزه خودمختار دارد. ایکانسکی و اسمولنا (به نقل از ریان و کانل، ۱۹۸۹) سه نوع انگیزه بیرونی^۳، درونی^۴ و همانندسازی‌شده^۵ را برای رفتارهای جامعه‌پسند متصور می‌شوند. شایان ذکر است علی‌رغم تمایزی که نظریه‌پردازان بین انواع رفتار

1. self-oriented
2. other-oriented
3. Intrinsic motivation
4. Extrinsic motivation
5. Identification

جامعه‌پسند قائل شده‌اند، شواهد پژوهشی بیانگر آن است که بروز انواع رفتار جامعه‌پسند می‌تواند مفید واقع شود (روت، ۲۰۰۸).

در کنار تنوع رفتارهای جامعه‌پسند، نکته مهم، شرایط و زمینه تحقق این نوع رفتارهاست. بروز رفتارهای جامعه‌پسند در سطوح بالا نیاز به انگیزه‌های خودمختارانه دارد (روت، ۲۰۰۸). همچنین لازمه بروز رفتار جامعه‌پسند، حرکت از نیازهای خود به سوی نیازهای دیگری است (هلگرن، آیزنبرگ و فبز، ۱۹۹۸). در سال‌های اخیر، پژوهش‌های متعددی درباره رفتارهای جامعه‌پسند صورت گرفته است که بیشتر آن‌ها در حیطه شناخت اجتماعی بوده است. اما سؤالی که نظریه‌پردازان پیوسته با آن روبه‌رو بوده‌اند آن است که چرا افراد علی‌رغم شناخت رفتارهای مطلوب اجتماعی، در عملکرد مطلوب اجتماعی همواره موفق نیستند. در این میان، خلأ بین دانش اخلاقی و رفتار اخلاقی، بسیار حائز اهمیت است. در پاسخ به شکاف دانش و عمل در حوزه اخلاقی، بلاسی در سال ۱۹۸۰ مدل خود را با عنوان هویت اخلاقی^۱ مطرح کرد. مدل بلاسی متمرکز بر عبور از شناخت اخلاقی به عملکرد اخلاقی، بر اساس مداومت و پایداری در قضاوت اخلاقی است (لئونارد، ۲۰۱۰). هویت اخلاقی، تعریف خود بر محور اخلاق است (آکینو و رید، ۲۰۰۲) و این تعریف به ثبات رفتار در موقعیت‌های اخلاقی منجر می‌شود.

لئونارد (۲۰۱۰) پنج عامل را به‌عنوان عوامل ارتقادهنده هویت اخلاقی بیان کرده است؛ شناخت اخلاقی، خودادراکی و احساسات اخلاقی، شخصیت، خانواده و ارتباط با نهادهای اجتماعی. از جمله متغیرهای فردی که در پژوهش حاضر به‌عنوان متغیری اثرگذار بر هویت اخلاقی بررسی می‌شود، تمایز یافتگی خود^۲ است. در این مفهوم، خود به‌عنوان فرایندی توصیف می‌شود که در آن، درعین حال که افراد استقلال روانی پیدا می‌کنند، برای رسیدن به بلوغ بهینه، با دیگران ارتباط عاطفی دارند (مهری، سالاری، لنگرودی و بهرامی‌زاده، ۲۰۱۱). در این پژوهش، باور این است که تمایز یافتگی خود، اساس ثبات قضاوت اخلاقی در هویت اخلاقی را فراهم می‌آورد.

با توجه به نقش کلیدی هویت اخلاقی (به‌عنوان عامل پرکننده خلأ بین دانش اخلاقی و

1. Moral identity
2. Differentiation of self

عملکرد اخلاقی) در رفتار جامعه‌پسند، همچنین با توجه به نقش تمایزیافتگی خود در شکل‌گیری هویت، این سؤال قابل‌طرح است که آیا تمایزیافتگی خود از طریق هویت اخلاقی، بر رفتار جامعه‌پسند تأثیر می‌گذارد. پژوهش حاضر با مطالعه روابط میان تمایزیافتگی خود، هویت اخلاقی و رفتار جامعه‌پسند در قالب یک مدل علی، سازوکار اثرگذاری ویژگی‌های فردی بر رفتارهای مطلوب اجتماعی را آشکار می‌سازد و به تقویت رفتارهای جامعه‌پسند کمک می‌کند.

پیشینه تحقیق

پژوهش‌های متعددی در مورد عوامل فردی اثرگذار بر رفتار جامعه‌پسند انجام گرفته است. مطالعه ویلیامز، ادیسکول و مور (۲۰۱۴) نمونه‌ای از آنهاست. این پژوهشگران، با آزمایش کودکان دریافتند که توجه همدلانه، به افزایش رفتارهای جامعه‌پسند منجر می‌شود. آبو (۲۰۰۷) نشان داد که تمایل به همانندسازی و همدلی، افراد را به پیروی از سیاست‌های نوع‌دوستانه ترغیب می‌کند. تورست‌ویت، ساترلینگ و لوگو (۲۰۱۶) به این پرسش پاسخ دادند که چرا برخی افراد، دغدغه‌های بیشتری برای انجام‌دادن رفتارهای مطلوب اجتماعی دارند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که قابلیت داشتن احساس گناه به‌عنوان یک صفت زمینه‌ای، همراه با همدلی، تبیین‌کننده بخش زیادی از واریانس رفتارهای جامعه‌پسند است. تامسون و بارنت (۱۹۸۵) نشان دادند برانگیختگی هیجانی و عاطفی، لازمه برانگیختگی فرد برای کمک به دیگران است. به عقیده آنان، بین میزان تجربه همدلی که در نتیجه مشارکت با حالات عاطفی دیگران به‌وجود می‌آید و میزان فعالیت‌های انسان‌دوستانه و کمک به دیگران، رابطه وجود دارد.

در برخی از پژوهش‌ها نیز رابطه میان سبک‌های هویت و رفتار جامعه‌پسند مطالعه شد؛ برای مثال، پادیلا والکر (۲۰۰۸) رابطه مثبتی بین سبک هویت اجتنابی و رفتارهای جامعه‌پسند، هنگامی که این رفتارها موجب شناخته‌شدن این افراد در انظار عمومی می‌شود، به‌دست آوردند. برونر و همکاران (۲۰۱۴) نشان دادند که از میان انواع سبک‌های هویت، سبک هویت اطلاعاتی با واسطه‌گری همدلی، رابطه معناداری با انواع رفتارهای جامعه‌پسند دارد و افراد با سبک هویت اطلاعاتی، به استدلال اخلاقی گرایش زیادی دارند. یافته‌های پژوهش آدامز و همکاران (۲۰۰۱) نشان داد که بین سبک هویت اطلاعاتی و رفتار ضداجتماعی رابطه منفی

وجود دارد. همان‌طور که مشاهده می‌شود، بیشتر پژوهش‌ها در مورد اثر عوامل فردی بر رفتار جامعه‌پسند، بر عوامل هیجانی یا بر سبک‌های هویت متمرکز بوده‌اند و کمتر پژوهشی مشاهده می‌شود که رابطه میان هویت اخلاقی و رفتار جامعه‌پسند را مطرح کرده باشد.

شایان ذکر است که پژوهشگران در توجیه رابطه مثبت بین سبک هویت اطلاعاتی و رفتار جامعه‌پسند، ویژگی‌های افراد برخوردار از سبک هویت اطلاعاتی مانند خودمختاری، استقلال و رفتارهای اکتشافی را مهم‌ترین عامل روی آوردن آن‌ها به رفتارهای جامعه‌پسند می‌دانند (سوئنسن برزونسکی و همکاران، ۲۰۰۵؛ اسمیت و همکاران، ۲۰۱۰)؛ بنابراین، می‌توان انتظار داشت که تمایز یافتگی خود نیز به‌عنوان یکی از شاخص‌های استقلال و خودمختاری، بر هویت اخلاقی به‌عنوان یکی از انواع هویت تأثیر بگذارد. علاوه بر این، شواهد پژوهشی بیانگر ارتباط میان تمایز یافتگی و پیامدهای مثبت روان‌شناختی است؛ برای مثال، نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهند که سطوح بالاتر تمایز یافتگی خود، به سازگاری زناشویی (اسکورنو، ۲۰۰۰)، تعدیل استرس و در نتیجه افزایش سازگاری دانشجویان (اسکورنو، وستر و آزن، ۲۰۰۴) و بهبود کارکرد روان‌شناختی (مرداک و جرژر، ۲۰۰۴) منجر می‌شود. اسکورنو و دندی (۲۰۰۴) با مطالعه ۲۲۵ بزرگسال نشان دادند که تمایز یافتگی خود، در صورت برخوردار بودن بزرگسالان از دل‌بستگی ایمن، پیش‌بینی‌کننده‌ای قوی برای کنترل تلاش‌محور است. در واقع، تمایز یافتگی، امکان بروز کارکردهای مناسب اجتماعی را مهیا می‌کند (کوپک و دنیسن^۱، ۲۰۱۲). با توجه به ارتباطی که در پیشینه پژوهش بین تمایز یافتگی و پیامدهای مثبت روان‌شناختی برقرار شده است و همچنین با توجه به تأکیدی که بر محوریت عاملیت فردی در بروز رفتار جامعه‌پسند می‌شود، انتظار می‌رود تمایز یافتگی خود، بر رفتار جامعه‌پسند نیز اثرگذار باشد.

بنا بر آنچه گذشت، علی‌رغم پژوهش‌های فراوانی که در مورد رفتار جامعه‌پسند و چگونگی رشد آن صورت گرفته است، همچنان در فهم این جهت‌گیری رفتاری، با پرسش‌های متعددی روبه‌رو هستیم (دانلفیلد و کالمرو، ۲۰۱۳)؛ بنابراین، لازم است پژوهش‌های جامع‌تری در خصوص عوامل مؤثر بر این مقوله انجام گیرد.

ادبیات نظری تحقیق

۱. رفتار جامعه‌پسند

رفتار جامعه‌پسند رفتاری است که به سلامتی و به‌زیستی دیگران کمک می‌کند (آبو، ۲۰۱۷). در ارتباط با منشأ بروز چنین رفتارهایی دو نظریه ارائه شده است. برخی از روان‌شناسان تکاملی بر این باورند که تمایلات جامعه‌پسندانه از جمله نوع‌دوستی، ذاتی است و به‌طور ژنتیکی به‌وسیله یک سازوکار درونی مشترک بین تمام موجودات انسانی تعیین می‌شود (زاسکوندا، ۲۰۱۰). در مقابل، روان‌تحلیلگران، روان‌شناسان اجتماعی و روان‌شناسان شناختی به اکتسابی بودن این گونه مهارت‌ها و رفتارها اعتقاد دارند. همچنین روان‌شناسان اجتماعی بر این باورند که وجود الگوهای مختلف رفتاری و چگونگی پاداش‌ها و تنبیه‌های ارائه‌شده، در بروز رفتارهای نوع‌دوستانه مؤثر است (شافر، ۱۹۹۴).

مدل‌های متعددی به بررسی مبنای انگیزشی رفتارهای جامعه‌پسند پرداخته‌اند. ریان و کانل (۱۹۸۹) معتقدند انگیزه رفتارهای جامعه‌پسند، در پیوستاری از خودمحوری تا دیگرمحوری قرار دارد. ریکانسکی و اسمولنکا (۱۹۸۰)، سه نوع انگیزه بیرونی (به‌معنای رعایت قوانین و ترس از تنبیه)، درونی (حفظ عزت‌نفس و دوری از تجربه احساس شرم و گناه) و همانندسازی‌شده (تنظیم رفتار براساس اهداف و ارزش‌های شخصی) را برای رفتارهای جامعه‌پسند بیان می‌کنند.

هایدر (۱۹۸۵) به نقل از ریان و کانل، (۱۹۸۹) در توجیه علل بروز رفتارهای جامعه‌پسند، مفهوم «مسند علی ادراک‌شده»^۱ را مطرح می‌کنند. مسند علی ادراک‌شده به‌معنای دریافت فرد از انگیزه‌ها و مقاصد خود و دیگران است. دیکارمز معتقد است مسند علی یا از نوع همانندسازی‌شده است، به این معنا که اعمال و رفتار فرد ناشی از اهداف خودش بوده است، یا از نوع بیرونی است، به این معنا که محیط، مستقل از فرد، عامل انجام‌دادن آن رفتار می‌شود (ریان و کانل، ۱۹۸۹). دسی و ریان (۱۹۸۵) بیان می‌کنند که در پیوستار مسند علی، سه سبک تنظیم وجود دارد: «تنظیم بیرونی»^۲ که در آن، رفتار براساس عوامل، امکانات و احتمالات

1. Perceived locus of causality

2. external regulation

بیرونی تعیین و تنظیم می‌شود، «تنظیم درون‌فکن»^۱ که نوعی تنظیم درونی ناشی از عوامل بیرونی است، مانند احساس گناه که افراد را وادار به عمل می‌کند و «تنظیم همانندسازی»^۲ که در آن، رفتار با ارزش‌ها و اهداف و مقاصد فرد هدایت و تنظیم می‌شود.

آیزنک (به نقل از رضویه و البرزی، ۱۳۸۳؛ آفایوسفی و همکاران، ۱۳۹۴) پس از انجام دادن تحقیقی طولی درباره سطوح رفتار جامعه‌پسند، انگیزه‌های این رفتار را براساس سن به پنج سطح تقسیم کرد: ۱. جهت‌گیری خودمحورانه و لذت‌جویانه (کودکان پیش‌دبستانی)، ۲. جهت‌گیری به‌سوی نیازهای دیگران (کودکان دبستانی)، ۳. جهت‌گیری تأیید (سال‌های پایانی دبستان و آغاز دوره راهنمایی)، ۴. جهت‌گیری همدلانه (اواخر دوره راهنمایی و اوایل دوره دبیرستان)، ۵. جهت‌گیری درونی‌شده (دبیرستان به بالا). توالی این سطوح، از استدلال معطوف به خود آغاز می‌شود و به سمت استدلال معطوف به دیگری ادامه می‌یابد.

در مجموع، مطالعات انجام‌شده چهار نوع رفتار جامعه‌پسند را مطرح می‌کنند (آفایوسفی و همکاران، ۱۳۹۴) که برای هر نوع از آن‌ها، سطوح مختلف و انگیزه‌هایی بدین شرح مورد انتظار است: ۱. رفتار نوع‌دوستانه (جهت‌گیری درونی‌شده به‌همراه انگیزه درونی)، ۲. رفتار متابعت‌آمیز (جهت‌گیری نیازهای دیگران و انگیزه بیرونی)، ۳. رفتار هیجانی (جهت‌گیری لذت‌خواهانه و انگیزه همانندسازی) و ۴. رفتار جمعی (جهت‌گیری تأیید و انگیزه بیرونی) (مسیبی، معتمدی و صفاری‌نیا، ۱۳۹۲؛ بومستر، گلدقارب و کانترل، ۱۹۹۲).

۲. تمایز یافتگی خود

تمایز یافتگی خود، به معنای توانایی فرد در تفکیک فرایندهای عقلی و احساسی خود از دیگران است (بوئن، ۱۹۷۸). افراد تمایز یافته تعریف روشنی از خود و عقایدشان دارند و قادر به جهت‌یابی و خودکنترلی در موقعیت‌هایی با برانگیختگی بالا هستند. در مقابل، افراد تمایز نیافته که هویت فردی مستقلی ندارند، در تنش‌ها و مسائل بین‌فردی، همراه با جو عاطفی حاکم بر محیط حرکت می‌کنند و در نتیجه اضطراب مزمن زیادی را تجربه می‌کنند (بوئن، ۱۹۷۸). کلید سلامت روان یک شخص، در برخورداری او از هردو حس تعلق و استقلال نهفته است (کری،

1. introjected regulation
2. identification regulation

۱۹۹۳). افراد تمایز یافته برای تجربه عواطف عمیق، احساس آزادی می‌کنند و دارای قابلیت نظم‌بخشی به هیجانات هستند. آن‌ها قادرند افکار شخصی خود را شناسایی و ابراز کنند. افرادی که به کامل‌ترین سطح تمایز می‌رسند، مرزبندی خود تعریف شده‌ای دارند؛ در حالی که افراد تمایز نیافته، از نظر هیجانی، مشکلات روان‌شناختی بی‌شماری را تجربه می‌کنند (خدایاری فرد و عابدینی، ۱۳۹۰).

در نظریه سیستمی بوئن^۱، تمایز یافتگی پدیده‌ای عاطفی است که در پیوستاری از خودمختاری تا وابستگی فرض می‌شود (مهری و همکاران، ۲۰۱۱). به عقیده بوئن، روابط انسانی از دو نیروی متضاد که عامل تعادل در زندگی‌اند، مشتق می‌شود: تمایل به فردیت و استقلال در مقابل تمایل به دل‌بستگی و صمیمیت با دیگران. در واقع لازم است فرد با حفظ فردیت و استقلال خود، روابط صمیمانه‌ای را با دیگران تجربه کند؛ بنابراین، تمایز یافتگی در دو سطح درون‌فردی و بین‌فردی قابل بررسی است: سطح اول درون‌روانی^۲ نامیده می‌شود و به توانایی تفکیک هیجان از عقلانیت اشاره دارد (بوئن، ۱۹۷۸). افرادی که در این سطح تمایز یافتگی کمتری دارند، درگیر درهم‌آمیختگی^۳ عقل، هیجان و واکنش‌پذیری هیجانی^۴ می‌شوند. هم‌آمیختگی به درهم‌آمیخته شدن هیجان و عقلانیت اشاره دارد و واکنش‌پذیری هیجانی حالتی است که در آن، احساسات فرد بر عقل و منطقش غلبه می‌کند (کر و بوئن، ۱۹۸۸). سطح دوم بین‌فردی^۵ است و به توانایی تجربه صمیمیت با دیگران، همراه با حفظ استقلال از آن‌ها اشاره دارد (بوئن، ۱۹۷۸). افرادی که در این سطح تمایز یافتگی زیادی دارند، قادر به اتخاذ «جایگاه من»^۶ در روابط خود هستند. بدین معنا که برداشت خوب تعریف شده‌ای از خود دارند و زمانی که از جانب دیگران تحت فشارند تا به نحو دیگری رفتار کنند، اندیشمندانه از عقاید خود پیروی می‌کنند (بوئن، ۱۹۷۸). در مقابل، افرادی که تمایز یافتگی کمی دارند، تمایل دارند از هم‌آمیختگی یا برش هیجانی^۷ استفاده کنند (کر و بوئن، ۱۹۸۸).

-
1. Bowen systems theory
 2. intrapsychic
 3. fusion
 4. emotional reactivity
 5. interpersonal
 6. I-position
 7. emotional cut off

۳. هویت اخلاقی

ارائه تعریف از هویت اخلاقی دشوار است؛ زیرا این مقوله دو مفهوم غنی و پیچیده روان‌شناسی را به هم پیوند می‌دهد: هویت و اخلاق. هویت اخلاقی حاصل تلاقی رشد اخلاقی و شکل‌گیری هویت است. در یک نگاه کلی، هویت اخلاقی به میزان اهمیت اخلاق در هویت فرد اشاره دارد. مفهوم هویت اخلاقی را اولین بار بلاسی مطرح کرد. به باور بلاسی (۱۹۸۳)، هویت اخلاقی، بازتاب تفاوت‌های فردی از لحاظ میزان اهمیت یا مرکزیت اخلاق در خود^۱ فرد است. در واقع، زمانی که هسته دغدغه‌های اخلاقی شکل می‌گیرد، فرد از انگیزش اخلاقی بیشتری برای عمل اخلاقی برخوردار است.

هویت عبارت است از تصویری سازمان‌یافته و منسجم از خود که دربرگیرنده علایق، باورها، نگرش‌ها و تاریخچه زندگی و فرهنگی است (سیگلمن و راید، ۲۰۱۷). محتوای هویت را می‌توان بر پایه مسائل مختلف مانند ارزش‌ها، روابط و نقش‌های اجتماعی استوار ساخت. در این مضمون، منش‌های اخلاقی می‌توانند عنصر سازنده هویت باشند که از آن به هویت اخلاقی تعبیر می‌شود. هویت اخلاقی به‌عنوان یکی از انواع هویت، عبارت است از خودپنداره‌ای که حول مجموعه‌ای از صفات اخلاقی سازمان یافته است (آکویینو و رید، ۲۰۰۲). به عبارتی، هویت اخلاقی مقوله‌ای است منعکس‌کننده اهمیتی که فرد برای اخلاقی بودن خود قائل است (هاردی و کارلو، ۲۰۱۱). همچنین هویت اخلاقی به‌عنوان سازوکار خودتنظیمی توصیف می‌شود که عمل اخلاقی را برمی‌انگیزد (بلاسی، ۱۹۸۴). در رویکرد شناختی-اجتماعی، هویت اخلاقی، طرح‌واره‌ای شناختی تلقی می‌شود که افراد درمورد منش اخلاقی خود دارند و منبع انگیزشی مهمی برای انجام‌دادن رفتار اخلاقی است (آکویینو، فریمن، رید، لیم و فلپز، ۲۰۰۹). در این رویکرد، هویت اخلاقی، ساختار شناختی پیچیده‌ای است که در حافظه ذخیره می‌شود و شامل صفات، ارزش‌ها و اهداف اخلاقی و طرح‌واره‌های رفتاری است (آکویینو و رید، ۲۰۰۲).

رویکرد شناختی-اجتماعی به هویت اخلاقی، بر مبنای سه قضیه است که عبارت‌اند از: ۱. هویت اخلاقی، منبعی قوی برای انگیزش اخلاقی است. غالباً افراد تمایل دارند در موقعیت‌های

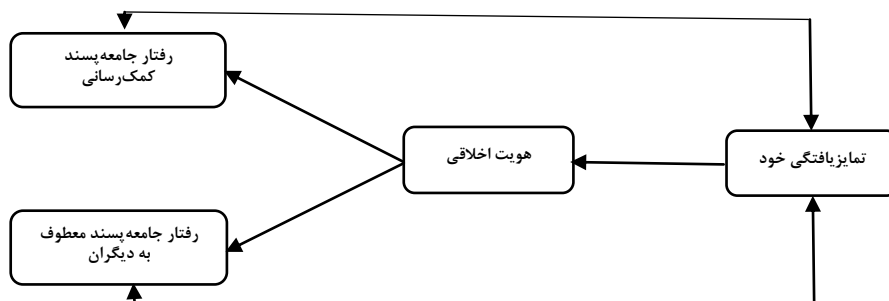
1. self

مختلف ثبات خود را حفظ کنند؛ بنابراین، زمانی که فردی خود را بر محور صفات یا منش اخلاقی تعریف می‌کند، به‌گونه‌ای رفتار می‌کند که این خودپنداره را حفظ کند. ۲. هویت افراد جنبه‌های مختلفی دارد که در عین حال که در میان آن‌ها توازن برقرار است، تنها آن جنبه‌های خودپنداره فعال نامیده می‌شوند، در یک موقعیت معین، در هشیاری قرار می‌گیرند؛ بنابراین، تأثیر جنبه‌های مختلف هویت، بسته به آن است که در یک موقعیت، کدام جنبه در دسترس است. چنانچه جنبه اخلاقی در دسترس باشد، احتمال اخلاقی عمل کردن بیشتر است. ۳. عوامل موقعیتی ممکن است هویت اخلاقی را فعال سازند یا بالعکس به فعال‌سازی جنبه‌های دیگر هویت منجر شوند؛ بنابراین، عوامل موقعیتی، قابلیت دسترسی به طرح‌واره اخلاقی در خودپنداره فعال را افزایش یا کاهش می‌دهند (آکینو و همکاران، ۲۰۰۹). با توجه به این توضیحات می‌توان گفت در رویکرد شناختی-اجتماعی، طرح‌واره‌های اخلاقی افراد و در دسترس بودن آن‌ها تعیین‌کننده رفتار اخلاقی است، یعنی همان هویت اخلاقی.

شایان ذکر است که افراد می‌توانند براساس میزان اهمیت اخلاق در هویتشان، روی یک پیوستار قرار گیرند. از این‌رو، چنانچه اخلاقی بودن جزء کلیدی تعریف فرد از خود نباشد، احتمال منجر شدن استدلال اخلاقی به عمل اخلاقی کاهش می‌یابد (بلاسی، ۲۰۰۴). به تعبیری، برخورداری از هویت اخلاقی قوی مستلزم آن است که اصول اخلاقی، آن‌چنان در خودپنداره و هویت فرد ریشه دوانده باشد که فرد را برای عمل به این اصول برانگیزد. از این‌رو، مفهوم هویت اخلاقی، یک سازوکار روان‌شناختی کلیدی است که قضاوت‌ها، اصول و آرمان‌های اخلاقی را به عمل تبدیل می‌کند (آکینو و همکاران، ۲۰۰۷).

فرضیه‌های پژوهش

مدل مفهومی پژوهش حاضر براساس شواهد پژوهشی و مبانی نظری تدوین شده است (شکل ۱). مطابق این مدل، فرضیه‌های پژوهش عبارت‌اند از: ۱. تمایز یافتگی خود با هویت اخلاقی رابطه مثبت دارد؛ ۲. هویت اخلاقی با رفتار جامعه‌پسند رابطه مثبت دارد؛ ۳. تمایز یافتگی خود با رفتار جامعه‌پسند کم‌رسانی رابطه مثبت و با رفتار جامعه‌پسند معطوف به دیگری، رابطه منفی دارد؛ ۴. هویت اخلاقی در رابطه میان تمایز یافتگی خود و رفتار جامعه‌پسند، نقش واسطه‌ای دارد.



شکل ۱. مدل پیشنهادی نقش واسطه‌گری هویت اخلاقی در رابطه میان تمایز یافتگی خود و ابعاد رفتار جامعه‌پسند

روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش حاضر، هم‌بستگی از نوع تحلیل مسیر است. دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه شیراز در سال تحصیلی ۱۳۹۴-۱۳۹۵ جامعه آماری این پژوهش را تشکیل می‌دهند. برای تعیین حجم نمونه، از فرمول کوکران استفاده شد و براساس آن، ۲۶۰ نفر در نظر گرفته شدند. نمونه‌گیری به روش طبقه‌ای متناسب انجام گرفت؛ بدین ترتیب که ابتدا کل نمونه برحسب نسبت دانشجویان کارشناسی در حال تحصیل در دانشکده‌های دانشگاه شیراز تقسیم شد. در هر واحد نیز برحسب نسبت دانشجویان مقطع کارشناسی، نمونه‌ها تقسیم‌بندی شدند. ابزار گردآوری در این پژوهش، پرسشنامه است که پس از بررسی روایی و پایایی توزیع شد. به‌منظور احراز روایی پرسشنامه از تحلیل عوامل به روش مؤلفه‌های اصلی با چرخش واریماکس استفاده شد. ملاک استخراج عوامل، شیب منحنی اسکری و ارزش ویژه بالاتر از یک بود. برای تعیین پایایی نیز ضریب آلفای کرونباخ به‌کار گرفته شد.

پیش از تحلیل داده‌ها و برای اطمینان از اینکه داده‌های این مطالعه مفروضه‌های زیربنایی مدل‌یابی معادلات ساختاری را برآورد می‌کنند، چند مفروضه اصلی معادلات ساختاری شامل داده‌های گم‌شده^۱، نرمال بودن^۲ و هم‌خطی چندگانه^۳ بررسی شدند. در پژوهش حاضر از روش جایگزینی داده‌های گم‌شده با میانگین استفاده شد و بررسی نرمال بودن متغیرها به‌کمک کجی و

1. missing
2. normality
3. multicollinearity

کشیدگی متغیرها انجام گرفت. متغیرهای پژوهش همگی دارای قدرمطلق ضریب کجی کوچکتر از ۳ و قدرمطلق ضریب کشیدگی کوچکتر از ۱۰ هستند و بنابراین، تخطی از نرمال بودن داده‌ها قابل مشاهده نیست. هم‌خطی چندگانه متغیرهای پیش‌بین نیز با استفاده از آماره تحمل^۱ و عامل تورم واریانس^۲ بررسی شد. نتایج نشان داد که ارزش‌های تحمل به‌دست‌آمده برای متغیرها بالای ۰/۱۰ هستند. همچنین عامل تورم واریانس به‌دست‌آمده برای متغیرها کوچکتر از ۰/۱۰ است که عدم هم‌خطی چندگانه را بین متغیرها نشان می‌دهد.

تعاریف مفهومی و عملیاتی متغیرها

۱. رفتار جامعه‌پسند

تعریف مفهومی: بیرهاف، رفتار جامعه‌پسند را شامل فعالیت‌هایی می‌داند که بدون انتظار پاداش مادی یا اجتماعی، مساعدت دیگران را برمی‌انگیزد و پاداش آن عموماً همان احساس رضایت‌مندی درونی فرد یاری‌رسان است (زاسکوندا، ۲۰۱۰). انگیزه رفتارهای جامعه‌پسند، در پیوستاری از خودمحوری تا دیگرمحوری قرار می‌گیرد (ریان و کانل، ۱۹۸۹).

تعریف عملیاتی: مقیاس رفتار جامعه‌پسند توسط پنر^۳ (۲۰۰۲) تهیه شده و دارای سی گویه و خرده‌مقیاس‌های مسئولیت اجتماعی^۴ (گویه‌های ۱ تا ۷)، ارتباط همدلانه^۵ (گویه‌های ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰)، پریشانی فردی^۶ (گویه‌های ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰)، استدلال اخلاقی^۷ (گویه‌های ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰)، معطوف به دیگران^۸ (گویه‌های ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰) و نوع دوستی خودگزارشی^۹ (گویه‌های ۱ تا ۲۶) است. این خرده‌مقیاس‌ها در دو عامل کلی‌تر قرار می‌گیرند: عامل هم‌حسی معطوف به دیگران

1. replacement
2. tolerance
3. Penner
4. social responsibility (SR)
5. empathic concern (EC)
6. personal distress (PD)
7. perspective taking (PT)
8. other-oriented moral reasoning (OMR)
9. mutual concerns altruism (MCA)
10. self-reported altruism (SRA)

که حاصل جمع نمرات مسئولیت اجتماعی، ارتباط همدلانه، نگاه از منظر دیگران، استدلال اخلاقی دوجانبه و استدلال اخلاقی معطوف به دیگران است، و عامل کمک‌رسانی که حاصل جمع نمرات پریشانی فردی و نوع‌دوستی است. نمره‌گذاری گویه‌ها براساس مقیاس لیکرت چنددرجه‌ای انجام می‌شود. نمره‌گذاری گویه‌های ۱ تا ۲۵ براساس مقیاس لیکرت پنج‌درجه‌ای به صورت کاملاً موافق تا کاملاً مخالف و نمره‌گذاری گویه‌های ۲۶ تا ۳۰ به صورت هرگز ۱، یک بار ۲، بیش از یک بار ۳، اغلب ۴ و بیشتر اوقات ۵ انجام می‌شود. نمره‌گذاری گویه‌های ۱۳، ۱۲، ۱۱، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱ و ۱۴ به صورت معکوس انجام می‌گیرد. پیر (۲۰۰۲) آلفای کرونباخ خرده‌مقیاس‌ها را به ترتیب ۰/۶۵، ۰/۶۷، ۰/۶۶، ۰/۷۷، ۰/۶۴، ۰/۷۷، ۰/۷۳ گزارش کرده است. همچنین در پژوهش صفاری‌نیا و باجلان (۱۳۹۰) پایایی مقیاس با استفاده از روش بازآزمایی برای کل مقیاس برابر با ۰/۹۸ و با استفاده از ضریب همسانی درونی برای کل مقیاس برابر با ۰/۷۹ و برای خرده‌مقیاس‌های آن بین ۰/۷۱ تا ۰/۷۴ به دست آمد که رضایت‌بخش است. در پژوهش حاضر، به منظور تعیین روایی این مقیاس، از تحلیل عوامل به روش مؤلفه‌های اصلی با چرخش واریماکس استفاده شد. ملاک استخراج عوامل، شیب منحنی اسکری و ارزش ویژه بالاتر از یک بود که براساس این ملاک‌ها دو عامل رفتار جامعه‌پسند کمک‌رسانی و رفتار جامعه‌پسند معطوف به دیگران استخراج شد. مقدار ضریب KMO برابر با ۰/۷۵ و ضریب کرویت بارتلت برابر با ۱۶۷۶/۴۳۹ ($P < ۰/۰۰۰۱$) بود که بیانگر کفایت نمونه‌گیری سؤالات و کفایت ماتریس هم‌بستگی مقیاس است. برای تعیین پایایی مقیاس نیز از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. ضریب پایایی برای عامل کمک‌رسانی ۰/۵۷ و ضریب پایایی برای عامل معطوف به دیگران ۰/۴۹ به دست آمد.

۲. تمایز یافتگی خود

تعریف مفهومی: تمایز یافتگی خود عبارت است از میزانی که یک فرد قادر است بین کارکرد هیجانی و عقلانی خود و همچنین بین صمیمیت و استقلال در روابط خود، تعادل برقرار کند (بوئن، ۱۹۷۸). در واقع، تمایز یافتگی خود به معنای توانایی فرد در تمایز قائل شدن بین افکار و احساسات در روابط عاطفی است (بوهلندر، ۱۹۹۵). تمایز یافتگی در دو سطح مطرح است. ۱. سطح بین‌فردی که عبارت است از توانایی کسب استقلال عاطفی از دیگران، در عین حال که

حدی از پیوستگی و ارتباط وجود دارد. سطح درون‌روانی به معنای ظرفیت تفکیک افکار از احساسات است (کر و بوئن، ۱۹۸۸). ۲. سطح درون‌روانی که در آن فرد ناگزیر است برای هدایت شدن، از بین هیجانات و عقلانیتش دست به انتخاب بزند.

تعریف عملیاتی: در پژوهش حاضر، برای اندازه‌گیری تمایزیافتگی خود از فرم کوتاه تمایزیافتگی خود (اریک، ۲۰۱۱) استفاده شد. این پرسشنامه شامل ۲۰ گویه و دارای ۴ خرده-مقیاس واکنش‌پذیری هیجانی، جایگاه من، برش هیجانی و هم‌آمیختگی با دیگران است. برای نمره‌گذاری این مقیاس، از طیف لیکرت شش‌درجه‌ای از «اصلاً شبیه خصوصیات من نیست» تا «کاملاً شبیه خصوصیات من است» استفاده می‌شود. نمره‌گذاری گویه‌های ۱۸، ۱۷، ۱۶، ۱۵، ۱۴، ۱۳، ۱۱، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۲ و ۱۹ به صورت معکوس انجام می‌گیرد؛ بنابراین، نمرات بالاتر در این پرسشنامه نشان‌دهنده سطح تمایز بالاتر است. ویژگی‌های روان‌سنجی این پرسشنامه در ایران، توسط فخاری، لطیفیان و اعتماد (۱۳۹۲) بررسی شد. نتایج نشان داد چهار عامل پیشنهادی سازنده پرسشنامه در فرهنگ ایرانی احراز می‌شوند و روی هم‌رفته بیش از ۵۲/۰۴ از واریانس مورد نظر را تبیین می‌کنند. پایایی بازآزمایی این پرسشنامه در تحقیق اریک (۲۰۱۱) بین ۰/۷۲ تا ۰/۸۵ گزارش شد. روایی ملاکی هم‌زمان پرسشنامه به وسیله فخاری و لطیفیان (۱۳۹۳) نشان داد سازه تمایزیافتگی به صورت مثبت با عزت‌نفس و به طور منفی با افسردگی، اضطراب صفت، اضطراب حالت و استرس رابطه دارد. در روایی همگرا نیز خرده‌مقیاس‌های فرم کوتاه پرسشنامه تمایزیافتگی خود، با مقیاس سطح تمایزیافتگی خود که به وسیله هابز در سال ۲۰۰۳ ساخته شد، رابطه مثبت و معنادار دارد (فخاری و لطیفیان، ۱۳۹۳). در پژوهش حاضر، به منظور تعیین روایی پرسشنامه از تحلیل عوامل به روش مؤلفه‌های اصلی با چرخش واریماکس استفاده شد. ملاک استخراج عوامل شیب منحنی اسکری و ارزش ویژه بالاتر از یک بود که براساس این ملاک‌ها، دو عامل درون‌روانی و بین‌فردی استخراج شدند. مقدار ضریب KMO برابر با ۰/۸۶ و ضریب کرویت بارتلت برابر با ۱۷۹۶/۹۲۶ ($P < ۰/۰۰۰۱$) بود که بیانگر کفایت نمونه‌گیری سؤالات و کفایت ماتریس هم‌بستگی پرسشنامه است. برای تعیین پایایی پرسشنامه نیز از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. مقدار ضریب پایایی برای عامل درون‌روانی ۰/۸۱ و برای عامل بین‌فردی ۰/۶۲ به دست آمد.

۳. هویت اخلاقی

تعریف مفهومی: از نظر بلاسی، هویت اخلاقی به معنای ساخت خویشتن براساس اخلاق است (لاپزلی، ۲۰۱۵). به باور بلاسی (۱۹۸۳) هویت اخلاقی، تفاوت‌های فردی را براساس میزان اهمیت یا مرکزیت اخلاق در «خود» فرد منعکس می‌کند. همچنین براساس تعریف هاردی و کارلو (۲۰۱۱) هویت اخلاقی عبارت است از آن میزانی که اخلاقی‌بودن در هویت یک فرد اهمیت دارد. هدف از رشد هویت اخلاقی، یکپارچه‌ساختن «خود» و اخلاق و به عبارت دیگر، یکپارچه‌ساختن ارزش‌ها با سیستم‌های انگیزشی و هیجانی است (لاپزلی، ۲۰۱۵). این یکپارچگی موجب می‌شود فرد به‌نحو باثباتی، مطابق با سیستم‌های انگیزشی و هیجانی مبتنی بر اخلاق عمل کند.

تعریف عملیاتی: پرسشنامه هویت اخلاقی مقیاس خودگزارش‌دهی است که به وسیله آکوینو و رید (۲۰۰۲) ساخته و اعتباریابی شده و دارای دو زیرمقیاس درونی‌سازی (میزانی که هویت اخلاقی در خودپنداره فرد مرکزیت یافته) و نمادسازی (میزانی که هر آزمودنی هویت اخلاقی را در ظاهرش نشان می‌دهد) است. در ابتدا از افراد خواسته می‌شود که به صفات اخلاقی که در بالای پرسشنامه نوشته شده است، توجه کنند (صفاتمانند مهربان، عادل، زحمت‌کش و...). پس از آن، ده پرسش درباره این صفات مطرح می‌شود تا مشخص شود این صفات چقدر برای پاسخگویان اهمیت دارد. پاسخ‌دهی در طیفی از ۱ (کاملاً مخالفم) تا ۵ (کاملاً موافقم) در هر یک از سؤالات گسترده شده است. نمره‌گذاری دو گویه ۴ و ۷ به صورت معکوس انجام می‌گیرد.

در مطالعه آکوینو و رید (۲۰۰۲) ضمن بررسی رابطه درونی‌سازی و نمادسازی با سازه‌های همگن و سازه‌های متمایز نشان دادند که نتایج روایی همگرا و واگرای این دو سازه رضایت‌بخش است. همچنین عظیم‌پور، نیسی، شهنی بیلاق و بشلیده (۱۳۹۳) همسانی درونی آلفای کرونباخ این دو بعد را به ترتیب ۰/۷۷ و ۰/۷۶ گزارش کردند. در پژوهش حاضر، به منظور تعیین روایی پرسشنامه، از تحلیل عوامل به روش مؤلفه‌های اصلی با چرخش واریماکس استفاده شد. ملاک استخراج عوامل، شیب منحنی اسکری و ارزش ویژه بیشتر از ۱ بود که براساس این ملاک‌ها، دو عامل درونی‌سازی و نمادسازی استخراج شدند. مقدار ضریب KMO برابر با ۰/۸۵ و ضریب

کرویت بارتلت برابر با $۷۹۳/۶۱۳$ ($P < ۰/۰۰۰۱$) بود که نشانگر کفایت نمونه‌گیری سؤالات و کفایت ماتریس هم‌بستگی پرسشنامه است. برای تعیین پایایی مقیاس، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. ضریب پایایی برای عامل درونی‌سازی $۰/۴۴$ و عامل نمادسازی $۰/۷۵$ به‌دست آمد.

یافته‌ها و نتایج تحقیق

نتایج در دو بخش توصیفی و آزمون مدل گزارش می‌شود. به‌منظور ارائه تصویری آشکار از وضعیت عملکرد پاسخگویان، ابتدا یافته‌های توصیفی و هم‌بستگی (مرتبه صفر) بین متغیرهای پژوهش محاسبه شد (جدول ۱). یافته‌ها نشان می‌دهد بین متغیرهای مستقل و وابسته مدل رابطه معنادار وجود دارد که مجوز لازم برای انجام‌دادن تحلیل‌های بعدی را فراهم می‌آورد. پس از اجرای تحلیل مسیر، مدل تجربی و نهایی پژوهش به‌دست آمد. برای تعیین کفایت برازندگی مدل پیشنهادی با داده‌های موجود، به‌وسیله ترکیبی از شاخص‌های برازندگی، میزان برازش مدل بررسی و تأیید شد. همان‌گونه که جدول ۲ نشان می‌دهد، مدل نهایی با توجه به شاخص‌های برازندگی، دارای برازش مطلوب است.

جدول ۱. میانگین، انحراف معیار و ضریب هم‌بستگی بین متغیرهای پژوهش

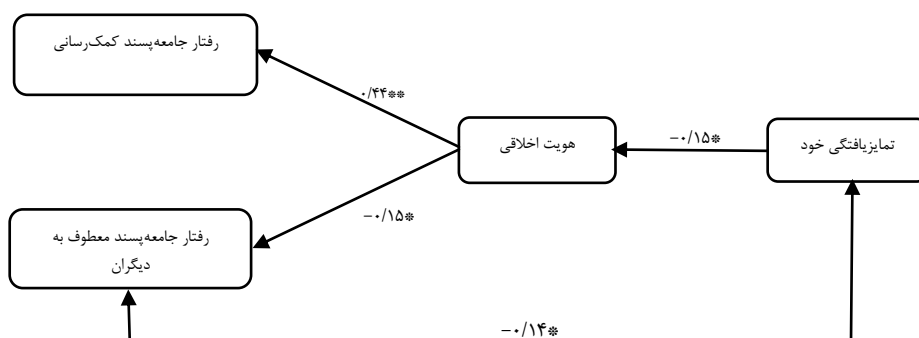
متغیرها	میانگین	انحراف معیار	۱	۲	۳	۴
۱. تمایز یافتگی خود	۴۳/۶۸	۱۰/۷۹	۱			
۲. هویت اخلاقی	۲۶/۶۳	۵/۵۸	۰/۱۵*	۱		
۳. رفتار جامعه‌پسند کمک‌رسانی	۱۳/۶۴	۲/۹۹	۰/۱۶**	۰/۴۶**	۱	
۴. رفتار جامعه‌پسند معطوف به دیگران	۲۰/۵۳	۴/۳۷	-۰/۱۶**	-۰/۱۷**	-۰/۱۸**	۱

$P^* < ۰/۰۵, P^{**} < ۰/۰۱$

جدول ۲. شاخص‌های برازش مدل

شاخص	X^2/df	GFI	NFI	TLI	IFI	RMSEA
مقدار	۲/۴۰	۰/۹۹	۰/۹۷	۰/۸۸	۰/۹۸	۰/۰۷

مدل پژوهش که شامل ضرایب رگرسیون رابطه بین متغیرهاست، در شکل ۲ آمده است. ضرایب مسیر در این شکل، بیانگر معنادار بودن مسیرهای مستقیم مربوط به مدل‌های اندازه‌گیری است. در جدول ۳، ضرایب مسیر مدل‌های اندازه‌گیری آمده است.



شکل ۲. مدل نهایی پژوهش

جدول ۳. ضرایب رگرسیون مدل‌های اندازه‌گیری

متغیرهای مشاهده‌شده	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل
مسیر تمایز یافتگی خود به:			
هویت اخلاقی	۰/۱۵*	-	-
رفتار جامعه‌پسند کم‌رسانی	۰/۱۰	۰/۰۶*	۰/۱۶**
رفتار جامعه‌پسند معطوف به دیگران	-۰/۱۴*	-۰/۰۲*	-۰/۱۶*
هویت اخلاقی:			
رفتار جامعه‌پسند کم‌رسانی	۰/۴۴**	-	-
رفتار جامعه‌پسند معطوف به دیگران	-۰/۱۵*	-	-

با توجه به اطلاعات مندرج در جدول ۳، همه فرضیه‌های پژوهش تأیید شدند؛ به این صورت که تمایز یافتگی خود، به‌طور مثبت و معنادار هویت اخلاقی را پیش‌بینی کرد ($p < 0.01$)، همچنین تمایز یافتگی خود، قادر به پیش‌بینی منفی و معنادار رفتار جامعه‌پسند معطوف به دیگران است ($p < 0.01$, $\beta = -0.14$)؛ درحالی‌که رابطه معناداری بین تمایز یافتگی

خود و رفتار جامعه‌پسند کمک‌رسانی مشاهده نمی‌شود. هویت اخلاقی نیز رفتار جامعه‌پسند کمک‌رسانی را به‌نحو مثبت ($\beta=0/44, p<0/001$) و رفتار جامعه‌پسند معطوف به دیگران را به‌نحو منفی ($\beta=-0/15, p<0/01$) پیش‌بینی می‌کند. علاوه‌براین، با توجه به یافته‌ها، هویت اخلاقی، نقشی واسطه‌ای در رابطه میان تمایز یافتگی خود و هردو نوع رفتار جامعه‌پسند نشان داد. بدین‌معنا که تمایز یافتگی خود با افزایش هویت اخلاقی، به افزایش رفتار جامعه‌پسند کمک‌رسانی و کاهش رفتار جامعه‌پسند معطوف به دیگران منجر شده است. برای برآورد و تعیین معناداری مسیر غیرمستقیم از دستور بوت استراپ در نرم‌افزار AMOS استفاده شد. همان‌گونه که در جدول ۴ نیز گزارش شده است، مسیرهای غیرمستقیم مدل معنادارند و این بیانگر معناداری نقش واسطه‌ای هویت اخلاقی در رابطه میان تمایز یافتگی خود و ابعاد رفتار جامعه‌پسند است.

جدول ۴. برآورد مسیرهای غیرمستقیم در مدل با استفاده از بوت استراپ

مقدار	معناداری	شاخص
-۰/۰۲	۰/۰۳	تمایز یافتگی خود به رفتار جامعه‌پسند کمک‌رسانی با واسطه‌گری هویت اخلاقی
۰/۰۶	۰/۰۵	تمایز یافتگی خود به رفتار جامعه‌پسند معطوف به دیگران با واسطه‌گری هویت اخلاقی

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از این مطالعه، پیش‌بینی رفتار جامعه‌پسند توسط تمایز یافتگی خود با واسطه‌گری هویت اخلاقی بود. نتایج پژوهش بیانگر ارتباط معنادار میان تمایز یافتگی خود و هویت اخلاقی است. این یافته با نتایج سوئنس و همکاران (۲۰۰۵) و اسمیت و همکاران (۲۰۱۰) هم‌خوانی دارد. همان‌گونه که می‌دانیم، مدل بلاسی از هویت اخلاقی، متمرکز بر عبور از شناخت اخلاقی به عملکرد اخلاقی براساس ثبات و قضاوت رفتاری است (لئونارد، ۲۰۱۰). با توجه به اینکه کیفیت تمایز یافتگی نیز نشانگر میزان ثبات خود است، می‌تواند به‌عنوان اساس ثبات قضاوت اخلاقی در هویت اخلاقی قرار گیرد. درواقع، این یافته بیانگر آن است که وجود تمایز یافتگی،

امکان اکتشاف و انتخاب خودمختارانه و مستقل را فراهم می‌کند و زمینه‌ساز دوام و پایداری در هویت می‌شود. این امر در شناخت-اجتماعی هاردی و کیسلینگ (۲۰۰۶) به‌دقت بیان شده است؛ به طوری که به اعتقاد این پژوهشگران، هویت، ساختاری ذهنی است که به‌عنوان یک سامانه خودگردانی، رفتار را برانگیخته و هدایت می‌کند. یافته‌های پژوهش حاضر نیز بیانگر این مطلب است که تمایز یافتگی خود به‌عنوان زمینه و شرایط بروز خودگردانی، در هویت اخلاقی عمل می‌کند (هاردی و کیسلینگ، ۲۰۰۶).

از دیگر یافته‌های این پژوهش، وجود رابطه معنادار میان هویت اخلاقی و رفتار جامعه‌پسند است. شایان ذکر است که نیم‌رخ پیش‌بینی ابعاد رفتار جامعه‌پسند به‌وسیله هویت اخلاقی متفاوت است. هویت اخلاقی، رفتار جامعه‌پسند کمک‌رسانی را به‌صورت مثبت و معنادار و رفتار جامعه‌پسند معطوف به دیگران را به‌صورت منفی و معنادار پیش‌بینی می‌کند. این یافته‌ها با نتایج برونر و همکاران (۲۰۱۴) و لئونارد (۲۰۱۴) مبنی بر ارتباط میان سبک‌های هویت و رفتار مطلوب اجتماعی، هم‌راستا است. تفاوت در نیم‌رخ ارتباطی هویت اخلاقی با دو نوع رفتار جامعه‌پسند را می‌توان با توجه به تمایز میان این دو نوع رفتار تفسیر کرد. ابعاد مختلف رفتار جامعه‌پسند، بیانی از وجود انگیزه‌های متفاوت در بروز این رفتارهاست. رفتار جامعه‌پسند کمک‌رسانی، مؤید وجود انگیزه خودمختار دگرمحورانه در رفتار جامعه‌پسند است؛ درحالی که رفتار جامعه‌پسند معطوف به دیگران، مبتنی بر انگیزه کنترل و اضطراب درونی و دریافت پیامد بیرونی است. با در نظر گرفتن این مطلب که هویت اخلاقی، خودپنداره‌ای حول مجموعه‌ای از صفات اخلاقی است (آکوینو و رید، ۲۰۰۲) که تعهد به اصول و ارزش‌های اخلاقی را نشان می‌دهد (هاردی و همکاران، ۲۰۱۰)، بروز رفتار جامعه‌پسند در افراد صاحب هویت اخلاقی، مورد انتظار است. در واقع، افراد برخوردار از هویت اخلاقی، تعهد بیشتری به رعایت اخلاق دارند؛ زیرا خودپنداره آن‌ها مبتنی بر اهمیت اخلاق است؛ بنابراین تلاش می‌کنند در شرایط گوناگون، متناسب با خودپنداره خود عمل کنند تا از ثبات هویتی برخوردار شوند. این‌گونه تعهدات درونی موجب می‌شود این افراد بیشتر به‌سمت انجام‌دادن رفتارهای جامعه‌پسند کمک‌رسانی تمایل نشان دهند و گرایش کمتری به رفتار جامعه‌پسند معطوف به دیگران داشته باشند؛ چرا که در رفتار جامعه‌پسند کمک‌رسانی، انگیزه خودمختار برای انجام‌دادن رفتار وجود

دارد و این نوع رفتار جامعه‌پسند صرفاً برای کمک به دیگران و بدون هیچ‌گونه چشم‌داشتی صورت می‌گیرد؛ درحالی‌که رفتار جامعه‌پسند معطوف به دیگران، مبتنی بر انگیزه‌های بیرونی مانند تأیید یا تشویق دیگران است.

یافته دیگر پژوهش حاضر نشان می‌دهد که تمایزیافتگی خود، از میان دو بعد رفتار جامعه‌پسند، تنها قادر به پیش‌بینی منفی و معنادار رفتار جامعه‌پسند معطوف به دیگران است. در ابتدا در تفسیر پیش‌بینی ابعاد رفتار جامعه‌پسند به‌وسیله تمایزیافتگی خود می‌توان به اهمیت تمایزیافتگی خود به‌عنوان عنصری کلیدی در بروز رفتار جامعه‌پسند اشاره کرد. با توجه به اکتسابی بودن رفتارهای جامعه‌پسند (شافر، ۱۹۹۴)، لازم است زمینه تحقق این نوع رفتارها فراهم شود. در این پژوهش، تمایزیافتگی خود به‌عنوان زمینه بروز رفتار جامعه‌پسند، فرایندی را توصیف می‌کند که در آن افراد استقلال روانی کسب می‌کنند، درحالی‌که هنوز از نظر عاطفی بر روابط صمیمی با دیگران برای رسیدن به بلوغ بهینه تأکید دارند (مهری و همکاران، ۲۰۱۱). به عبارت دیگر، تمایزیافتگی خود، توانایی تفکیک عقلانیت از هیجانات و استقلال از وابستگی است؛ بنابراین، انتظار بر آن است که این توانایی بر انتخاب رفتارهای اجتماعی افراد اثرگذار باشد. به این معنا که بسته به اهمیتی که هر فرد به عقلانیت و استقلال خود می‌دهد، در موقعیت‌های اجتماعی و اخلاقی، رفتارهای متفاوتی برمی‌گزیند.

در تبیین پیش‌بینی منفی رفتار جامعه‌پسند معطوف به دیگران به‌وسیله تمایزیافتگی خود می‌توان گفت این نوع رفتار جامعه‌پسند براساس انگیزه بیرونی انجام می‌گیرد؛ درحالی‌که افراد تمایزیافته، به‌دلیل استقلال روانی و توانایی برقراری تعادل بین افکار و احساسات، چندان به ارزیابی دیگران یا فشارهای بیرونی اهمیت نمی‌دهند؛ بنابراین، انگیزه بیرونی کمتری برای انجام‌دادن رفتارهای مطلوب اجتماعی دارند. به عبارت دیگر، این افراد اندیشمندانه به عقاید خود پایبندند (بوئن، ۱۹۷۸) و تحت تأثیر فشارهای بیرونی یا دریافت تأیید و پاداش دیگران قرار نمی‌گیرند. از این‌رو، آن دسته از رفتارهای اجتماعی آن‌ها که فقط برای توجه و تأیید دیگران است، کاهش می‌یابد. چنین فرایندی در پژوهش حاضر نمایان است.

پیش‌بینی‌نشدن رفتار جامعه‌پسند کمک‌رسانی به‌وسیله تمایزیافتگی خود، با توجه به ویژگی‌های افراد تمایزیافته قابل‌توجه است. همان‌گونه که عنوان شد، افراد تمایزیافته قادر به

برقراری تعادل در میان افکار و احساسات، و استقلال و وابستگی خود هستند؛ بنابراین در تصمیم‌هایی که در موقعیت‌های مختلف اجتماعی اتخاذ می‌کنند، هم خود و هم دیگران را مدنظر دارند. در حالی که رفتار جامعه‌پسند کمک‌رسانی، نوعی رفتار نوع‌دوستانه است که به‌نظر می‌رسد فردی که آن را انجام می‌دهد، خود و پیامدهای رفتار خود را فراموش می‌کند و فقط براساس منافع دیگران اقدام می‌کند.

نتایج این پژوهش، نقش واسطه‌گری هویت اخلاقی را در رابطه میان تمایز یافتگی خود و ابعاد رفتار جامعه‌پسند را تأیید می‌کند. به این معنا که تمایز یافتگی، با تقویت هویت اخلاقی، رفتار جامعه‌پسند کمک‌رسانی را افزایش و رفتار جامعه‌پسند معطوف به دیگران را کاهش داده است. این یافته همسو با شواهد پژوهشی‌ای است که نشان داده‌اند رشد هویت و تمایز یافتگی، امکان بروز کارکردهای مناسب اجتماعی را مهیا می‌کند (کپک و دنیسن، ۲۰۱۲). همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد، تمایز یافتگی خود، ویژگی‌ای است که با برقراری توازن میان افکار و احساسات افراد و نیز استقلال و وابستگی عاطفی آن‌ها، ثباتی در آن‌ها ایجاد می‌کند که با آن، تحت تأثیر شرایط قرار نمی‌گیرند و بر عقاید خود ثابت‌قدم می‌مانند. این ثبات به آن‌ها کمک می‌کند به تعریفی واضح و یکپارچه از خود، بر محور اخلاق دست یابند. به این معنا که هویت اخلاقی در آن‌ها رشد می‌کند و زمینه پرورش صفات اخلاقی را فراهم می‌آورد. اگر افراد برای خویشتن اخلاقی‌شان اهمیت قائل شوند و با تکیه بر استقلال روانی و عقلانیت به ارزش‌های اخلاقی خود پایبند باشند، به احتمال بیشتری به سمت رفتارهای اخلاقی و جامعه‌پسندی که مبتنی بر انگیزه‌های خودمختارانه است، روی می‌آورند و از انجام‌دادن رفتارهایی که مبتنی بر فشار و تحمیل عوامل بیرونی است، اجتناب می‌کنند. نظر بلاسی این بود که عبور از شناخت اخلاقی به عملکرد اخلاقی، به موجب مداومت و پایداری در قضاوت اخلاقی است. پژوهش حاضر، هم‌راستا با بلاسی نشان می‌دهد که در فرد تمایز یافته، رفتار جامعه‌پسند به وسیله هویت اخلاقی انجام می‌گیرد.

نتایج این پژوهش، مضامین کاربردی متعددی برای متولیان نظام آموزش عالی و سیاست‌گذاران اجتماعی دارد. براساس نتایج، لازم است برنامه‌ریزان آموزش عالی و سیاست‌گذاران جامعه، با پرورش عقلانیت و هیجانان دانشجویان و با اهمیت‌دادن به فردیت

آن‌ها و درعین حال فراهم آوردن تعلق خودمختارانه آن‌ها به گروه‌های اجتماعی، زمینه تمایز یافتگی دانشجویان را فراهم آورند و از این طریق به ارتقای هویت اخلاقی و گسترش رفتارهای مطلوب اجتماعی کمک کنند.

با توجه به اینکه هم هویت اخلاقی و هم تمایز یافتگی مقوله‌هایی رشدی هستند، پیشنهاد می‌شود این پژوهش در دوره‌های سنی دیگر به‌ویژه دوران کودکی و نوجوانی انجام گیرد تا بتوان شواهد تحولی را برای آن فراهم ساخت. در پژوهش حاضر، اثر عوامل فردی بر رفتار جامعه‌پسند مورد توجه بود. پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آینده به اثر عوامل بافتی (مانند سبک‌های تربیتی والدین یا ارزش‌های فرهنگی) بر این رفتارها بپردازند. از جمله محدودیت‌های پژوهش حاضر، محدود بودن افراد مورد مطالعه به دانشجویان مقطع کارشناسی است. بدین ترتیب، نمی‌توان به سادگی نتایج آن را به دوره‌های تحصیلی دیگر تعمیم داد.

منابع

- آقایوسفی و همکاران (۱۳۹۴)، «رابطه رفتار جامعه‌پسند و گرایش‌های مطلوب اجتماعی در زنان با پنج عامل شخصیتی گاستا و مک گری»، فصلنامه علمی-پژوهشی زن و جامعه، شماره ۲: ۶۷-۸۴.
- خدایاری فرد، محمد و عابدینی، یاسمین (۱۳۸۹)، نظریه‌ها و اصول خانواده‌درمانی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- رضویه، علی اصغر و البرزی، محبوبه (۱۳۸۳)، «مقایسه رفتارهای خودگردان جامعه‌پسند در کودکان تیزهوش، عادی و نابینا»، مجله روان‌شناسی، دوره ۳۰، شماره ۲: ۱۲۸-۱۴۳.
- لطیفیان، مرتضی و فخاری، نرگس (۱۳۹۳)، «نقش میانجی‌گری تمایز یافتگی خود در رابطه با الگوهای ارتباطی خانواده و سلامت روان»، فصلنامه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده، سال هشتم، شماره ۲۶: ۶۵-۸۳.
- صفاری‌نیا، مجید؛ آقایوسفی، علیرضا و ایمانی‌فر، حمیدرضا (۱۳۹۵)، «پیش‌بینی-کننده‌های شخصیتی و خلقی رفتار جامعه‌پسند»، مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، شماره ۲: ۲۵۵-۲۷۲.

- صفاری‌نیا، مجید و باجلان، مریم (۱۳۹۰)، روان‌شناسی اجتماعی و تست شخصیت، تهران: انتشارات ارجمند.
- فخاری، نرگس؛ لطیفیان، مرتضی و اعتماد، جلیل (۱۳۹۲)، «بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی فرم کوتاه پرسشنامه تمایز یافتگی خود در دانشجویان ایرانی»، فصلنامه اندازه‌گیری تربیتی، شماره ۱۵: ۳۵-۵۸.
- مسیبی، معتمدی و صفاری‌نیا (۱۳۹۲)، «مقایسه مؤلفه‌های هوش هیجانی و رفتار جامعه‌پسند در سالمندان موفق و ناموفق شهرستان رفسنجان»، پژوهش‌های علوم انسانی دانشگاه اصفهان، سال چهارم، شماره ۲۲: ۱۱۷-۱۳۴.
- Abo, M. M. (2017), **Persuading the General Public to Engage in Altruistic Behaviors: The Use of Exemplars and Injustice Salience in Appeals Regarding Food Allergies and Type One Diabetes**, PhD Dissertation, The Ohio State University.
- Adams, G. R. et al. (2001), "Diffuse-Avoidance, Normative, and Informational Identity Styles: Using Identity Theory to Predict Maladjustment. Identity", **An International Journal of Theory and Research**, No. 1: 307-320.
- Aquino, K., and Reed, I. I. (2002), "The Self-Importance of Moral Identity", **Journal of Personality and Social Psychology**, No. 6: 14-23.
- Aquino, K. et al. (2007), "A Grotesque and Dark Beauty: How Moral Identity and Mechanisms of Moral Disengagement Influence Cognitive and Emotional Reactions to War", **Journal of Experimental Social Psychology**, No. 3: 385-392.
- Aquino, K. et al. (2009), "Testing a Social-Cognitive Model of Moral Behavior: The Interactive Influence of Situations and Moral Identity Centrality", **Journal of Personality and Social Psychology**, No. 97: 123-141.
- Barnett, M. A., and Thompson, S. (1985), "The Role of Perspective Taking and Empathy in Children's Machiavellianism, Prosocial Behavior, and Motive for Helping", **The Journal of Genetic Psychology**, No. 3: 295-305.
- Blasi, A. (1980), "Bridging Moral Cognition and Moral Action: A Critical Review of the Literature", **Psychological Bulletin**, No. 88: 1-45.
- Blasi, A. (1983), "Moral Cognition and Moral Action: A Theoretical Perspective", **Developmental Review**, No. 2: 178-210.
- Blasi, A. (2004), "Moral Functioning: Moral Understanding and Personality. In D. K. Lapsley and D. Narvaez (Eds.)", **Moral Development, Self, and Identity**, No. 335-347.

- Bruner, M., Dunlop, W. L., and Beauchamp, M. R. (2014), "A Social Identity Perspective on Group Processes in Sport and Exercise", **In Group Dynamics in Exercise and Sport Psychology**, No. 47: 68–82.
- Bowen, M. (1978), "Family Therapy in Clinical Practice. New York, NY: Jason Aronson. Bowen Center for the Study of the Family". (2008). **Bowen Theory. Retrieved from**. No. 1.53 .140-142
- Bohlander, J. R. (1995), "Differentiation of Self: An Examination of the Concept"; **Issues in Mental Health Nursing**, No. 2: 165–184.
- Dunfield, K. A., & Kuhlmeier, V. A. (2013). Classifying prosocial behavior: Children's responses to instrumental need, emotional distress, and material desire. *Child Development*, No.84(5), 1766-1776.
- Deci, E., and Ryan, R. M. (1985), , Springer Science and Business Media.
- Hardy, S. A. et al. (2010). "Moral Identity and Psychological Distance: The Case of Adolescent Parental Socialization", **Journal of Adolescence**, No. 33: 111–123.
- Hardy, S. A., and Kisling, J. W., (2006), "Identity Statuses and Prosocial Behaviors in Young Adulthood: A Brief Report", **An Interpersonal Journal of Theory and Research**, No. 4: 363–369.
- Hardy, S. A. and Carlo, G. (2011). "Moral Identity: What Is It, How Does it Develop, and Is It Linked to Moral Action", **Child Development Perspectives**, No. 5: 212–218.
- Holmgren, R. A., Eisenberg, N., and Fabes, R. A. (1998). "The Relations of Children's Situational Empathy-Related Emotions to Dispositional Prosocial Behavior", **International Journal of Behavioral Development**, No. 1: 169–193.
- Kerr, M. E., & Bowen, M. (1988), **Family evaluation: An approach based on Bowen theory**, New York, NY, US: W W Norton & Co.
- Koepke, S., and Denissen, J. J. A. (2012). "Dynamic of Identity Development and Separation-Individuation in Parent-Child Relationship during Adolescence and Emerging Adulthood: A Conceptual Intrgration" **Developmental Review**, No. 32: 67–88.
- Lapsley, D. (2015). "Moral Identity and Developmental Theory", **Human Development**, No. 58: 164–171.
- Leonard, G. R. (2010), **Moral Identity in Adolescence: A Literature Review**, University of Asuza, California.
- Millon, T., and Lerner, M. J. (2003), **Handbook of Psychology Volume 5 Personality and Social Psychology**, John Wiley and Sons.
- Mehri, Y. et al. (2011), "The Relationship between Differentiation of Self and Aspects of Identity", **Procedia-Social and Behavioral Sciences**, No. 30: 733–737.
- Padilla-Walker, L. M. et al. (2008). "Looking on the Bright Side: The Role of Identity Status and Gender on Positive Orientations during Emerging Adulthood", **Journal of Adolescence**, No. 31: 451–467.
- Penner, L. A. (2002), "The Causes of Sustained Volunteerism: An Inter-Actionist Perspective", **Journal of Social Issues**, No. 58: 447–467.

- Roth, G. (2008). "Perceived Parental Conditional Regard and Autonomy Support as Predictors of Young Adults' Self- Versus Other-Oriented Prosocial Tendencies", **Journal of Personality**, No. 76: 513–533.
- Ryan, R. M., and Connel, J. P. (1989), "Perceived Locus of Causality and Internalization: Examining Reasons for Acting in Two Domains", **Journal of Personality and Social Psychology**, No. 57: 749–761.
- Reykowski, J., and Smoleńska, Z. (1980), "Personality Mechanisms of Prosocial Behavior", **Polish Psychological Bulletin**, No. 4: 219–230.
- Skowron, E. A. (2000). The Role of Differentiation of Self in Marital Adjustment", **Journal of Counseling Psychology**, No. 2: 229–237.
- Skowron, E. A., Wester, S. R., and Azen, R. (2004). "Differentiation of Self-Mediates College Stress and Adjustment", **Journal of Counseling and Development**, No. 1: 69–78.
- Skowron, E. A., and Dendy, A. K. (2004). "Differentiation of Self and Attachment in Adulthood: Relational Correlates of Effortful Control"; **Contemporary Family Therapy**, No. 3: 337–357.
- Sigelman, C. K., and Rider, E. A. (2017), **Life-Span Human Development**, 9th Ed, Cengage Learning.
- Soenens, B. et al. (2005), "Identity Styles and Causality Orientations: In Search of the Motivational Underpinnings of the Identity Exploration Process", **European Journal of Personality**, No. 19: 427–442.
- Smits, I. et al. (2010), "Why Do Adolescents Gather Information or Stick to Parental Norms? Examining Autonomous and Controlled Motives behind Adolescents' Identity Style", **Journal of Youth and Adolescence**, No. 11: 1343–1356.
- Torstveit, L., Sütterlin, S., and Lugo, R. G. (2016), "Empathy, Guilt Proneness, and Gender: Relative Contributions to Prosocial Behaviour", **Europe's Journal of Psychology**, No. 2: 260.
- Williams, A., O'Driscoll, K., and Moore, C. (2014), "The Influence of Empathic Concern on Prosocial Behavior in Children"; **Frontiers in Psychology**, No. 5: 425.
- Zaskonda, H. (2010), **Pro-Social Traits and Tendencies of Students of Helping Professions; Czech Republic: University of South Bohemia.**